

"دقیقه ۹۰ انرژی و آب و جدایی به سبک فیلم فرهادی"



جا دارد کارگردان مدعی وفاق و استفاده از نخبگان کشور، به نظرات همان نخبگان صنعت آب و برق، گزارشات مراکز پژوهشی بیطرف و مطلع، گزارشات مرکز پژوهش‌های مجلس توجه نمایند و فیلم ملورئال و منطقی و الزامی و ماندگار جدایی آب از برق را کارگردانی نموده و اسکاری با مفهوم نیاز و ضرورت آینده کشور به خانه برده و به یادگار در تاریخ به جا گذارند.

فوتبال ۹۰ دقیقه است ولی تیم انرژی و آب به اندازه‌ای گل خوردند که نه تنها در ۹۰ دقیقه زمان استاندارد، بلکه در وقت‌های اضافی هم کاری از تیم خسته و ۹ نفره آنها بر نمی‌آید هرچند که الان در وقت اضافی هستند و عنقریب است که قاضی سوت پایان بازی را بزند.

وزارت نیرو به عنوان متولی ۱۰۰ درصدی صنعت برق و میراب، بدون اختیار بخش آب با مشکلات عدیده‌ای مواجه است که در این وقت‌های اضافی، تمام انرژی‌اش را فقط برای این گذاشته است که بیشتر گل نخورد و به نظر می‌رسد نمی‌تواند یک‌تنه از پس این دو ناترازی برآید. وزارت نفت هم خصوصاً در بخش گاز وضعیت مشابهی دارد و بازی از دست مربی و بازیکن و تماشاجی در این هنرنمایی ناترازی، هم در رفته است و مربی تنها هنرش این شده که مثل ویرا در بازی تاریخی ایران و استرلیا بگوید: "بروید در بازی و هر کاری که از دستتان بر می‌آید انجام بدهید"

شرایط کنونی این صنایع تأثیرگذار نشان می‌دهد که ساختارهای کنونی پاسخگو نیست و گرنه که وضع این نبود؛ لذا به نظر می‌رسد برای سه بخش آب، گاز و برق که هر سه دچار مشکل جدی هستند باید از نظر ساختاری فکر جدیدی کرد. این رویکرد ناخودگاه بحث جدایی آب از برق و ادغام برق و گاز را تداعی می‌کند که به نوعی با فیلم جدایی سیمین از نادر هم خوانی دارد. خاطرتان هست که اولین جایزه اسکار کشورمان به فیلم جدایی نادر از سیمین به نایغه جهانی کارگردانی آقای فرهادی تعلق گرفت. موضوع فیلم یک ملودرام خوش ساخت و خودمانی بود که ریتم تمام‌نشدنی یک تضاد را در عین عادت‌ها به تصویر کشیده بود و آنچه باعث کشش تماشاگر می‌شد تصور آینده تمام‌نشدنی فیلم است که سرانجام هم، تمام نمی‌شود. قصه‌ی جدایی بخش آب از بخش برق نیز قصه مشابهی با داستان فیلم فوق دارد. ادغام آب و برق و تشکیل خانواده وزارت نیرو با پادرمیانی ریش‌سفیدان هر دو بخش و با دلایل مشروحه زیر، حدود چهار دهه پیش صورت گرفت:

-تولد و ظهور یک نوزاد خارج از جنین به نام نیروگاه‌های برقی‌ابی که در هیچ دسته‌ای از تقسیم‌بندی‌ها نمی‌گنجید.

-بعد از دوران طلایی مدیریت کاراوبهره ور مشدی میراب وامین‌الضرب بر تأمین وتوزیع آب و برق مردم و واگذاری زوری و تحمیلی آن به بلدیهای که در انجام کار و وظیفه‌ی ذاتی‌اش درمانده بود، ریش‌سفیدان ملاحظه نمودند که بلدیة این‌کاره نیست و باید این دو عنصر تأثیرگذار دولتی شوند و به‌علت این‌که تصور جداسازی این دوبخش در مدل ذهنی آنها نمی‌گنجید وآب هم مسئله مهمی نبود و دغدغه رفاه و توسعه با تأمین برق مناسب شکل می‌گرفت و لزوم تعیین تکلیف موجود تازه متولد شده یعنی نیروگاه‌های آبی نیز مزید بر علت شد؛ وزارت نیرو شکل گرفت. معمولاً در ادبیات و عرف اقتصادی انرژی برق به‌عنوان نیرو شناخته می‌شود و این نشان می‌دهد آن ریش‌سفیدانی که وزارت نیرو را نام‌گذاری و تشکیل دادند اصلاً توجهی به بخش آب نداشتند. به‌نحوی که حتی اسم وزارت را فقط به سمت برق برده‌اند. وگرنه انصاف این بود اسم وزارت نیرو، آب نیرو یا نیرواب و یا اسمی انتخاب می‌شد که به‌نحوی به شخص مخاطب بقبولاند یکی از وظایف این وزارت‌خانه بخش آب هم هست.؟؟؟؟؟؟

به‌هرحال در حدود چهل سال گذشته، این نادر و سیمین، ببخشید برق و آب با هم زندگی‌ای با تضاد تفکر و رویکرد داشته اند .

و الان جا دارد کارگردان مدعی وفاق و استفاده از نخبگان کشور، به نظرات همان نخبگان صنعت آب و برق، گزارشات مراکز پژوهشی بیطرف و مطلع، گزارشات مرکز پژوهش‌های مجلس توجه نمایند و فیلم ملورئال و منطقی و الزامی و ماندگار جدایی آب از برق را کارگردانی نموده و اسکاری با مفهوم نیاز و ضرورت آینده کشور به خانه برده و به‌یادگار در تاریخ به‌جا گذارند.

فیلم‌نامه این ملورئال منطقی بدین‌صورت نوشته شده است که وزارت آب با حفظ ساختار موجود بخش آب وآبفای کشور و ادغام سازمان‌های مرتبط دیگر،تشکیل گردد وبخش برق با بخش گاز وزارت نفت ادغام شود وتشکیلات موازی بخش نفت و برق نیز در هم ادغام گردد.

سعید مهذب ترابی

مدیر عامل شرکت مهندسی قدس نیرو

آبان ۱۴۰۴